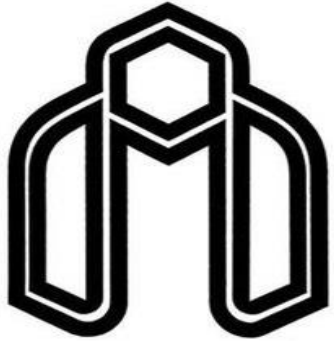


فصل چهارم



دانشگاه صنعتی شاهرود

اهداف آفرینش

گروه معارف اسلامی
دکتر علی اصغر آخوندی

اللَّهُ حَسْبُ الْكَافِرِينَ

درآمد

شناخت هدف آفرینش یکی از دغدغه‌های دیرین بشری است که از یک سو با سرنوشت انسان گره می‌خورد و از سویی دیگر، با خدا و جهان پیوند دارد.

هدفی که انسان برای خلقت می‌شناسد:

➤ نوع نگاه او را به جهان و انسان رقم می‌زند،

➤ هدف و جهت‌گیری زندگی او را شکل می‌دهد،

➤ می‌تواند بر همه انگیزه‌ها، اندیشه‌ها، باورها، اعمال و رفتار او تاثیر گذارد،

➤ به زندگی انسان معنا دهد،

➤ یا او را به پوچی و بی‌معنایی سوق دهد.

هر چیزی چهار علت **فاعلی**، **مادی**، **صوری** و **غایی** دارد.

مقصود از هدف در اهداف آفرینش همان علت غایی یا نهایت هر چیز در مسیر حرکت خویش است که پیش از انجام فعل تصور می‌شود و در آخرین مرحله نیز ظاهر می‌گردد.

بنابراین خداوند پیش از آفرینش جهان باید برای آن، «هدفی» داشته باشد، آنگاه خلقت جهان را در همان مسیر سامان دهد تا در نهایت جهان به آن هدف برسد.

مقصود از اهداف آفرینش جهان، فرجام هستی است که جهان در حرکتی غیر ارادی به سوی آن می‌رود.

منظور از هدف آفرینش انسان نیز غایت کمال اوست که فراروی او تصویر شده است و انسان می‌تواند با حرکت اختیاری خود بدان فرجام دست یابد.

- در بررسی و شناخت اهداف آفرینش می‌توان از سه روش بهره جست: روش ۱- **عقلی** ۲- **تجربی** ۳- **وحيانی**.
- رویکرد این نوشتار در تعیین هدف جهان و انسان، استفاده از روش وحيانی است، هرچند که در این موضوع گاه سه رویکرد وحيانی، عقلی و تجربی به **یک نقطه مشترک** می‌رسند.

اهداف آفرینش جهان

جهان مجموعه‌ای به هم پیوسته و پویاست که به سوی مقصد مشخص در حال حرکت است.

قرآن مجید آفرینش جهان را بیهوده، بی‌هدف و بازیچه نمی‌داند؛

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (ص/۲۷)

و ما آسمان و زمین و آن چه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم، این پندار کسانی است که کفر ورزیدند.

مقصود از آسمان و زمین جهان هستی است.

منظور از چیزهای بین آن دو، نعمت‌های الهی در طبیعت و موجودات زنده است.

واژه باطل به معنای چیز بی‌هدف است که انجام آن از خدای حکیم محال است.

اهداف آفرینش جهان

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ * لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كِنَّا فَاعِلِينَ﴾

(انبیا/ ۱۷-۱۶)

و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست برای بازی نیافریدیم. اگر می خواستیم بازیچه‌ای بگیریم هر آینه آن را از پیش خود انتخاب می کردیم.

لعب (بازیچه)؛ به کار فاقد هدف صحیح گفته می شود.

لهو (بیهوده)؛ به عملی اطلاق می شود که انسان را از انجام کار و هدف مهم باز می دارد.

این آیه بیانگر آن است که ارتکاب عمل لعب و لهو (بازیچه و بیهوده) با ساحت قدس الهی ناسازگار است و بر فرض محال اگر او خواستار سرگرمی بود، این بازیچه‌ها متناسب مقامش نبود.

اهداف آفرینش جهان

جهان مجموعه‌ای به هم پیوسته و پویاست که به سوی مقصد مشخص در حال حرکت است.

قرآن مجید جهان را هدفدار، بر پایه حق و عدل، در خدمت بشر و برای دانایی او معرفی می‌کند:

﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

(احقاف/۳)

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آنهاست جز به حق نیافریده‌ایم.

واژه حق در این گونه موارد به معنای هدفداری است.

آری اگر مجموعه هستی را همراه با مبدأ و منتهای آن در نظر بگیریم، جهان پویا بر پایه حق و دارای هدفی ثابت است که فرجام آن نیز پیروزی حق بر باطل است.

یک. آفرینش جهان برای انسان

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۲۲)



آن (خداوندی) که زمین را برای شما فرشی (گسترده) و آسمان را بنایی (افراشته) قرار داد و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به آن از میوه‌ها، روزی برای شما بیرون آورد، پس برای خداوند شریک و همتایی قرار ندهید با آنکه خودتان می‌دانید.

بر پایه این دسته از آیات استواری آسمان، آرامش زمین، چرخه آب در طبیعت و حیات گیاهان همه برای انسان و خدمتگزاری به اوست. از این رو انسان باید برای رسیدن به سعادت و تکامل خویش این نعمت‌ها و نعمت‌آفرین را بشناسد و سپاسگزار او بوده با شرک راه ناسپاسی را نپوید.

یک. آفرینش جهان برای انسان

قرآن مجید در بخشی از سوره ابراهیم به خدمت‌رسانی پاره‌ای از مخلوقات الهی برای انسان اشاره می‌نماید:

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید و شب و روز را مسخر شما ساخت و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد. (ابراهیم / ۳۲-۳۴)

بخش‌های پایانی آیه بیانگر آن است که نعمت‌های گوناگون همه مسخر انسان است تا از منافع آنها برای رسیدن به کمال و سعادت بهره جوید.

در آیاتی از سوره نحل نیز از آفرینش حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، تسخیر ماه، خورشید و ستارگان برای انسان و تسلط او بر نعمت‌های دریایی و استفاده گوناگون از آنها یاد شده است.

دو. دانش‌افزایی بشر

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق/۱۲)



خداست آن که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن‌ها (بیافرید). فرمان الهی میان آن‌ها نازل می‌شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد.

در این آیه، هدف از آفرینش آسمان‌ها و زمین (جهان)، **علم و افزایش آگاهی انسان نسبت به صفات علم و قدرت الهی** معرفی شده است؛ علمی که یکی از کمالات مهم انسانی و معیار برتری انسان‌ها بر یکدیگر است.

در تفسیر نمونه آمده است: «هدف از آفرینش عالم، معرفت است. چه تعبیر جالبی که هدف این آفرینش عظیم را آگاهی انسان از صفات خدا، از علم و قدرت او می‌شمرد، که آگاهی از این دو صفت برای تربیت انسان کافی است».

در این آیه به بالاترین علوم یعنی **خداشناسی** اشاره شده است که انسان از صفات الهی همچون علم و قدرت آگاه شود.



سه. معاد و عدالت

﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (جاثیه/ ۲۲)

و خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است و تا هر کسی به آنچه به دست آورده پاداش یابد و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «آفرینش جهان بر اساس حق است نه باطل و بازیچه، یعنی برای این جهان فاسدشدنی هدفی ثابت و جاوید در ورای آن وجود دارد... پس معنای آیه به این مطلب برمی‌گردد که خدا آسمانها و زمین را به حق و عدل آفرید. پیامد آفرینش به حق آن است که در ورای این جهان، جهانی دیگر باشد که موجودات در آنجا جاوید بمانند. پیامد آفرینش به عدل آن است که هر شخصی بر اساس دستاورد خود پاداش و کیفری را ببیند که سزاوار آن است... و چون این مطلب در این جهان اتفاق نمی‌افتد پس در جهان دیگر (رستاخیز) خواهد بود.»

سه. معاد و عدالت

بنابراین چنان که از آیات برمی آید همه جهان برای انسان آفریده شده است.
انسان‌ها دو گونه‌اند:

برخی قدرشناس و سپاسگزار نعمت‌های الهی‌اند،

برخی نیز راه ناسپاسی، گناه و شرک را در پیش می‌گیرند.

از آنجا که نظام آفرینش بر پایه حق و عدل است و جهان نیز باید به هدف خود
برسد، در فرجام جهان، رستاخیزی به پا می‌شود تا به نیکوکاران پاداش و به
بدکاران کیفر داده شود.

بنابراین یکی از اهداف آفرینش جهان هستی «معاد و اجرای کامل
عدالت» است.

اهداف آفرینش جهان

از مجموع آیات قرآن چنین دانسته می‌شود:

۱. جهان بی‌هدف، بیهوده و به بازیچه آفریده نشده، بلکه هدفدار و بر پایه حق آفریده شده است.

۲. نعمت‌های جهان برای خدمت به انسان‌های شایسته آفریده شده تا از آنها برای رسیدن به کمال و سعادت و دانش‌افزایی بهره‌جویند.

۳. غایت و نهایت جهان برپایی رستاخیز و نظام عدل است تا هر کس به جزای عمل خویش برسد.

سؤال: آیا جهان برای همه انسان‌ها خلق شده است در حالی که برخی انسان‌ها جنایتکار و ستمکارند؟

در پاسخ باید گفت مقصود از جمله «آفرینش جهان برای انسان» آن است که جهان برای خدمت به انسان‌های شایسته آفریده شده است، هر چند که انسان‌های ناشایست - که گاه همچون حیوانات یا پست‌تر از آنان‌اند - نیز از این نعمت‌ها استفاده می‌کنند.

آری جهان همچون باغی است که باغبان برای پرورش گل‌ها آن را آبیاری می‌کند، اما علف‌های هرز نیز از آن بهره‌مند می‌شوند.

۲. اهداف آفرینش انسان

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ (مومنون/۱۱۵)

پس آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم.

حکمت الهی اقتضا می‌کند که کار بیهوده و بدون هدف انجام ندهد. از این رو آفرینش انسان‌ها هدفی والا داشته است.

قرآن کریم درباره اینکه هدف آفرینش انسان چه بوده است پاسخ‌های مختلفی داده که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

یک. آزمایش

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ (ملک/۲)

همان که مرگ و زندگانی را آفرید تا شما بندگان را بیازماید که کدام نیکوکارتر است و اوست شکست‌ناپذیر آمرزنده.

۱. هدف از «زندگی و مرگ»، **آزمایش انسان** معرفی شده و هدف از این آزمون نیز رسیدن به «**حسن عمل**» که مفهومی تکامل معرفت و خلوص نیت و انجام هر کار خیر است. خداوند همواره انسان را با مشکلاتی می‌آزماید تا افراد شکیباً را مشخص سازد:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۵)

و قطعاً شما را به چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم.

گاه انسان با ثروت یا فقر و گاه با خیر و شرّ مورد آزمایش قرار می‌گیرد:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾ (انبیا/۳۵)

هر نفسی مرگ را می‌چشد، و ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور عالم مبتلا کنیم تا شما را بیازماییم.

در آزمایش است که کمالات و هنر سپاسگزاری افراد و همچنین کیفیت اعمال آشکار می‌گردد و افراد شایسته نیز مستحق دریافت پاداش می‌شوند، اما در همان حال کسی که لغزید نباید ناامید شود، چرا که خداوند آمرزنده است.

۲. آیه یاد شده مرگ را عدمی ندانسته، بلکه چیزی **وجودی** معرفی می‌کند که شایسته آفرینش است. بنابراین **مرگ نابودی نیست**، بلکه انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر و آغاز زندگی جدید است.

۳. در این آیه به **کیفیت عمل** اهمیت داده شده است. به بیان دیگر هدف از آزمایش آن است که آشکار گردد، کدام یک از انسان‌ها اعمال نیکوتری انجام می‌دهند، اعمالی که با معرفت و اخلاص بیشتر است.

در حدیثی حکایت شده که ابوقتاده از پیامبر (ص) پرسید: مقصود از «**أَحْسَنُ عَمَلًا**» چیست؟ حضرت پاسخ داد: «منظور آن است که عقل کدام یک از شما بهتر است». سپس فرمود: «کسی که عقلش کامل‌تر و ترسش از خدا بیشتر است و در مورد چیزهایی که خدا بدان‌ها دستور داده یا منع کرده، نیکوتر نظر کند، اگرچه اعمال مستحبی او کمتر باشد».

امام صادق (ص) در مورد این آیه فرمود: «معنای آیه آن نیست که چه کسی بیشتر عمل کند، بلکه به معنای آن است که چه کسی درست‌تر عمل کند و درستی عمل با ترس از خدا و نیت صادق تحقق می‌یابد».

۴. مقصود از آزمایش خداوند، نوعی پرورش است؛ یعنی انسان‌ها را به میدان عمل می‌کشد تا ورزیده، آزموده و پاک شده، شایسته پاداش الهی و مقام قرب او گردند، و گرنه خداوند چون به همه چیز داناست از امتحان انسان بی‌نیاز است.

دو. عبادت

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶)

و جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند.

۱. هدف از آفرینش انسان **عبادت** است و **عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است**. عبد کسی است که همه وجودش به مولا و صاحب خود تعلق دارد؛ بدین گونه که اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست اوست و در اطاعت از او هرگز سستی نمی‌کند.

عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک اوست و عبودیت کامل نیز آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد و جز در راه او گام برنداشته هرچه غیر اوست حتی خویشتن را فراموش کند.

۲. عبادت تنها به نماز روزه و ... نیست بلکه **انجام تمام دستورهای الهی** است. از این رو، هر کاری که با نیت الهی صورت پذیرد، عبادت است؛ مانند خدمت به مردم، تحصیل، تدریس، پژوهش و کار کردن برای تامین معاش خانواده.

بنابراین اگر عبادت هدف آفرینش انسان است، مقصود همه کارهای نیکی است که زمینه‌ساز سعادت فردی و اجتماعی است. البته عبادت‌ها و کارهای نیک دارای مراتبی است که هدف آفرینش رسیدن به مراحل عالی آنهاست.

۳. در برخی احادیث روایت شده: «ای مردم! خدا مردم را خلق نکرد، مگر برای اینکه او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند، او را عبادت کنند و هنگامی که او را عبادت کنند، با بندگی خدا از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شوند».

معرفت و علم مقدمه هر عبادت به شمار می‌رود و عبادت نیز خود سرچشمه معرفت بیشتر است.

بر پایه آیه ۱۲ سوره طلاق نیز هدف آفرینش جهان علم و معرفت بیان شده است.

آیت الله جوادی آملی علم و معرفت را هدف اصلی آفرینش شمرده است: «هدف اصلی آفرینش، معرفت و محبت و عبادت خدای سبحان است و اساس همه آنها معرفت می‌باشد و معرفت نیز با هوشیاری و فرزاندگی حاصل می‌شود. لذا انبیا می‌کوشند تا هم آن دفینه‌های درونی را شکوفا و آشکار کنند و هم ره‌توشه بیرونی را به آنان اهدا نمایند تا آنان عارف و آگاه گردند و این مهم گاهی به صورت برهان یا موعظت است و گاهی به صورت جدال ثانوی است».

در جایی دیگر نیز چنین می‌نویسد: «عظمت انسان خلیفه الله بودن و سند خلافت او هم معرفت اوست؛ چرا که اگر ارزش برای عبادت است، این ارزش به اندازه معرفت عبادت کننده است. ... عبادت با خلوص کامل می‌شود و خلوص با معرفت ارزش پیدا می‌کند. ... عبادت امری تمام شدنی است؛ زیرا با پایان پذیرفتن دنیا که نشئه تکلیف است، حکم عبادت مرتفع می‌شود، ولی معرفت حدی ندارد. عمل با مردن عامل، پایان می‌پذیرد و گرچه اثرش باقی می‌ماند، اما شهود خداوند حدی ندارد. انسان به هر اندازه که در درجات شهودی بالاتر رود، مشهودات بیشتری برای او آشکار می‌شود و به همین دلیل لقاء الله حدی ندارد و معرفت پروردگار محدود نیست».

ایشان همچنین می‌نویسد: «ارزش انسان به علم اوست و ارزش علم به معلوم است و هر انسانی به اندازه علمش ارزش دارد. از آنجا که خدای سبحان نظیر و بدیل ندارد، پس معرفت الله و توحید بهترین معرفت و علم است. بنابراین هیچ انسانی بالاتر از انسان موحد نیست و چون جهان آفرینش برای انسان موحد خلق شد، اگر خداشناسی کسی در رأس همه معارف بود، موجودی به عظمت او نخواهد بود؛ مانند اهل بیت عصمت و طهارت که موجودی به عظمت آنها در جهان امکان وجود ندارد».

۴. هدف از آفرینش، عبادت جنس انسان است. بنابراین اگر برخی انسان‌ها عبادت اختیار کردند، هدف آفرینش تحقق یافته است.

سه. رحمت

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ (هود/۱۱۹-۱۱۸)

و اگر پروردگارت می خواست، هر آینه همه‌ی مردم را یک امت واحد (و دارای یک عقیده‌ی حق) قرار می داد، در حالی که همچنان اختلاف می ورزند. مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند، و (خداوند) برای همین (رحمت) مردم را آفرید، و فرمان پروردگارت صادر شده که دوزخ را از جنّ و انس پر خواهد کرد.

۱. هدف آفرینش انسان‌ها «رحمت» و مهر الهی معرفی شده است. البته انتخاب رحمت الهی اختیاری است و همه می‌توانند از آن بهره‌گیرند. بنابراین بر انسان‌هاست که در راستای همین هدف حرکت کنند تا مهر و رحمت الهی شامل حالشان شود.

۲. وحدت مظهر رحمت الهی است از این رو خداوند در قرآن انسان‌ها را از تفرقه منع کرده آنها را به وحدت و چنگ زدن به ریسمان الهی دعوت می‌کند.

سه. رحمت

۳. این آیه به یکی از سنت‌های آفرینش که زیربنای مسائل مربوط به انسان است، اشاره دارد و آن اختلاف و تفاوت در ساختمان روح و جسم، فکر، ذوق و عشق انسان‌ها و همچنین آزادی اراده و اختیار است. آری هیچ مانعی نداشت که خداوند همه انسان‌ها را یکسان و به اجبار مومن می‌آفرید، اما چنین ایمانی نه فایده داشت، نه دلیل شخصیت افراد بود و نه وسیله تأمل و نه موجب پاداش.

۴. رحمت الهی همان هدایت الهی است که از طریق عقل و راهنمایی پیامبران و کتاب‌های آسمانی شامل حال همه مردم شده است و هر کس از این رحمت استفاده کند، به سعادت می‌رسد، در غیر این صورت فرمان الهی بر آن است که جهنم را از سرکشان پر کند.

چهار. ملاقات الهی

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق / ۶)

ای انسان البته با هر رنج و مشقت (در راه طاعت و عبادت حق بکوش که) عاقبت حضور پروردگار خود می‌روی.

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره / ۱۵۶)

ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم

از این آیات می‌توان پاره‌ای از نکات را دریافت:

۱. انسان به عنوان موجودی تلاشگر و زحمت‌کش، تلاشش هدف‌دار و در حال حرکت و سیر است.
۲. هدف سیر و غایت تلاش‌های انسان، پروردگار است و انسان در نهایت با او ملاقات می‌کند.
۳. در این آیه و آیات دیگر از ملاقات الهی یاد شده است. مفسران در مورد لقای الهی چند تفسیر ذکر کرده‌اند:

۱) مقصود شهود باطنی و لقای شهودی پروردگار است، چنان که از امام علی حکایت شده: «من پروردگاری را که نبینم نمی‌پرستم».

۲) مقصود از ملاقات پروردگار حضور در صحنه رستاخیز و ملاقات آن صحنه یا ملاقات ثواب و عذاب الهی در رستاخیز است؛ یعنی منظور بازگشت به سوی پروردگار در رستاخیز است که همان هدف نهایی و غایت حرکت انسان می‌باشد.

البته مانعی ندارد که آیه به هر دو تفسیر (شهود باطن معاد) اشاره داشته باشد؛ بدین معنا که هر دو هدف انسان باشد، چه آنکه انسان در نهایت به ملاقات رستاخیز و کیفر و پاداش اعمال خود می‌رسد؛ چنان که ممکن است به لقای شهودی و باطنی پروردگار نائل گردد.

۴. از آیه ششم سوره انشقاق چنین بر می‌آید که رنج انسان وقتی تمام می‌شود که پرونده دنیا بسته شود و انسان با خدای خویش یا نتایج اعمال نیکش ملاقات کند.

جالب اینکه در اینجا خطاب آیه به «انسان» است که در واقع همه نوع انسان را شامل می‌شود. از کلمه «ربّ» نیز استفاده میشود که این تلاش انسان جزئی از برنامه ربوبیت و تکامل و تربیت انسان است.

۳. تاثیر هدفمندی جهان و انسان در معناداری زندگی

انسان در زندگی به هدف و معنا نیازمند است. انسان بی‌هدفی که زندگی را نیز بی‌معنا می‌داند تاب تحمل مشکلات روحی و جسمی را ندارد، از این رو به سرعت از پای در می‌آید و گاه به بن بست می‌رسد و چه بسا به خودکشی اقدام می‌کند؛ اما انسانی که در پرتو آموزه‌های وحی الهی پرورش یافته جهان آفرینش را عبث و بیهوده و بی‌هدف نمی‌داند:

﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (احقاف/۳)

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آنهاست جز به حق نیافریده‌ایم

از آنجا که زندگی انسان بی‌هدف و بی‌معنا نیست و از سویی جهان مبدا و منتها و هدفی دارد و آن خداوند بزرگ است، در راه او باید کوشید تا به ملاقاتش رسید اگرچه در این راه مرارت‌های بسیاری باشد.

آری هدفمندی جهان و انسان می‌تواند روح تازه‌ای در کالبد انسان بدمد و زندگی انسان را جهت‌دهی کند؛ جهان و زندگی را برای انسان معنادار سازد و به او آرامش دهد و بهداشت روانی انسان را تقویت کند. از این‌روست که انسان‌های دین‌دار کمتر گرفتار پوچی و بی‌معنایی زندگی می‌شوند و کمتر دست به خودکشی می‌زنند.

علت‌های چهارگانه در خلقت انسان

در قرآن علل چهارگانه فاعلی، مادی، صوری و غایی درباره خلقت انسان به گونه زیر تبیین شده است:

❖ **علت فاعلی خلقت انسان**، خداوند آفریدگار است که در مقام پروردگاری نیز نشسته و خالق و رب انسان است: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ»؛ خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای. (فاطر، آیه ۱۱؛ غافر، آیه ۶۷؛ انسان، آیه ۲).

❖ **علت مادی خاک و نطفه برآمده از همین عناصر خاکی است**: «فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ»؛ ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل تا برای شما روشن سازیم [که بر هر چیز قادریم]. (حج، آیه ۵؛ و نیز نگاه کنید: یس، آیه ۷۷؛ نحل، آیه ۴؛ کهف، آیه ۳۷؛ مومنون، آیه ۱۳؛ فاطر، آیه ۱۱؛ غافر، آیه ۶۷).

❖ **علت صوری همان صورت‌گری است که خداوند در انسان انجام داده و قرآن می‌فرماید**: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ»؛ او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آنچنانکه می‌خواهد تصویر می‌کند. (آل عمران، آیه ۶؛ و نیز نگاه کنید: حجر، آیه ۲۹، ص، آیه ۷۲).

علت‌های چهارگانه در خلقت انسان

❖ اما علت غایی که همه این کارها برای آن انجام می‌شود و حکمت خلقت به شمار می‌آید، همان چیزی است که انسان باید برای آن تلاش کند تا وقتی با خداوند ملاقات می‌کند ملاقاتی بر اساس حکمت خلقت انسان یعنی عبادت باشد. خداوند درباره علت غایی خلقت انسان می‌فرماید: «أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد! (انشقاق، آیه ۶) و در جایی دیگر می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت کنند. (ذاریات، آیه ۵۶) ولی این عبادت به هدف دستیابی به تقوا است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید. (بقره، آیه ۲۱) و این‌گونه است که انسان به سبب تقوا به یقین سه‌گانه می‌رسد (تکاثر، آیات ۵ و ۷؛ واقعه، آیه ۹۵) و در جایگاه خلافت الهی قرار می‌گیرد و در کمال به جایی می‌رسد که چیزی برتر از انسان نیست و مسجود همه فرشتگان می‌شود. (حجر، آیات ۲۹ و ۳۰؛ ص، آیات ۷۲ و ۷۳)

❁ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ ❁
آیه ۱۹۰ آل عمران

به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در گردش شب و روز،
شگفتی‌هایی برای خردمندان است

